

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کار برای اقامه خلافت تا زمانی که برپا گردد، فرض کفائی بوده؛ پس هرکسی که برای پرپائی آن کار نمی‌کند، گنهگار است

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

یا شیخ، الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر دهد! در نزد من در خصوص این جواب سوالی است؛ شما گفته بودید که حمل دعوت برای اقامه خلافت فرض کفایی است، آیا این به معنی این است که اگر شخصی به دلیل این که یک تعداد اشخاص هستند که دعوت را حمل می‌کنند، اگر او دعوت نکند، گناهی متوجه آن نمی‌شود؟

وقتی یک امارت ایجاد شود، مانند خواست بعضی از گروه‌های اسلامی، آیا در این صورت فرض کفایی از امت و بعضی گروه‌های اسلامی که برای ازسرگیری زندگی اسلامی کار می‌کنند، ساقط می‌شود یا این که تا وقتی دولت خلافت برپا نشود، ساقط نمی‌شود؟ ابوهیثم شقیرات.

پاسخ

و علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

هر دو سوال در مورد یک مسئله است که جواب آن را بیان می‌دارم:

حمل دعوت به سوی اقامه خلافت فرض کفائی است؛ به این معنی که بر هر شخص قادر تا وقت اقامه خلافت کار بالایش لازم و فرض است و وقتی خلافت برپا شد، وجوب ساقط می‌گردد؛ اما از آنجایی که تاکنون خلافت اقامه نشده، بر هر شخص قادر فرض است... به این ترتیب، تا وقتی خلافت اقامه گردد، کار برای اقامه خلافت فرض کفایی است؛ پس هر شخصی که برای اقامه خلافت کار نکند، گنهگار می‌شود.

در جزء سوم شخصیه اسلامی آمده است: «از لحاظ انجام فرض به دو قسم است؛ فرض عین و فرض کفایی و هیچ فرقی در لزوم این دو فرض نیست؛ زیرا لزوم و وجوب یک چیز است و هر کدام از این دو به معنی طلب جازم است. فرقی که در بین این دو است، این است که فرض عین طلب عمل از هر فرد و فرض کفایی طلب جازم از تمام مسلمانان است؛ اگر فرض کفایی اقامه شد، پس از جانب سایر مسلمانان نیز کفایت می‌کند، خواه کل مسلمانان این فرض را اقامه نموده باشد و یا بعضی از مسلمانان و اگر اقامه آن فرض کفایی صورت نگرفت، بر هر فرد مسلمان تا زمان اقامه آن کار بالای شان واجب می‌گردد.»

در فکر اسلامی آمده است: «فرض کفایی بر هر مسلمان فرض است؛ فرض عبارت از خطاب شارع متعلق به طلب فعل به صورت جازم می‌باشد؛ مانند این قول الله سبحانه و تعالی: ﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ﴾ (سوره بقره: 43) ترجمه: نماز را برپا دارید.»

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (سوره توبه: 41) ترجمه: سبک بار و گران بار عازم شوید و با اموال و جان‌های خویش در راه الله (سبحانه و تعالی) جهاد کنید.

مانند این قول رسول الله صلی الله علیه و سلم:

«إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ» ترجمه: امام سپری قرار داده شده تا به آن اقتداء گردد.

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» ترجمه: کسی که مرد در حالی که در گردنش بیعت نبود، به تحقیق به مرگ جاهلیت مرده است.

تمام این نصوص خطاب شارع متعلق به فعل جازم است و چیزی که طلب را جازم قرار داده قرینه‌ای است که به طلب فعل تعلق می‌گیرد و طلب را جازم ساخته است؛ پس به این دلیل انجام این عمل جازم می‌باشد و فرض به هیچ حالتی از حالات تا زمان قیام آن ساقط نمی‌شود و کسی که این فرض را ترک کند، گنهکار بوده و در بین فرض عین و فرض کفایی از این لحاظ هیچ تفاوتی نمی‌باشد و تمام این فرایض بر تمام مسلمانان فرض است. پس این قول الله سبحانه و تعالی: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ فرض عین است و این قول الله سبحانه و تعالی ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا﴾ فرض کفایه است و این قول رسول الله صلی الله علیه و سلم «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ» فرض عین است و این قول رسول الله صلی الله علیه و سلم «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ... الْحَدِيثُ» فرض عین است و تمام این فرایض به اساس خطاب شارع متعلق به فعل جازم ثابت شده است. پس تلاش برای جداسازی و تفکیک فرض عین و فرض کفایی از لحاظ لزوم نزد الله گناه و روی گردانی از راه الله سبحانه و تعالی است و این یک مغالطه‌ای است برای سهل‌انگاری انجام فرایض الله سبحانه و تعالی.

اما از لحاظ سقوط فرض بر کسی که مکلف است، باید گفت؛ هیچ فرقی بین فرض عین و فرض کفایی نیست؛ پس تا زمانی که شخص عملی را که شارع آن را طلب نموده، انجام ندهد، ساقط نمی‌شود؛ برابر است که بر هر مسلمان انجام آن دستور داده شده باشد؛ مانند نمازهای فرایض و یا از همه مسلمانان انجام آن طلب شده باشد؛ مانند بیعت خلیفه؛ زیرا هریکی از این اعمال ساقط نمی‌شود؛ مگر این که به آن‌ها عمل شود؛ یعنی تا زمانی که نماز خوانده شود و به خلیفه بیعت صورت گیرد. پس فرض کفایی از هیچ مسلمان ساقط نمی‌شود؛ هر چند بعضی از مسلمانان آن را انجام دهد؛ تا زمانی که آن عمل کامل شود. پس تا وقتی آن عمل کامل نشود، هر مسلمان گنهکار می‌شود.

بنابر این، اشتباه خواهد بود که گفته شود فرض کفایی فرضی است که اگر بعضی به آن پرداخت از ذمه دیگران نیز ساقط می‌شود؛ بلکه فرض کفایی حکمی است که هرگاه بعضی آن را انجام داد، از گردن دیگران نیز ساقط می‌گردد و سقوط آن در این صورت یک امر واقعی است؛ زیرا عمل مطلوبه انجام شده و پیدا شده است و مجالی برای بقای آن باقی نمانده است. این فرض کفایی است و این فرض بدون تفاوت مانند فرض عین است. بنابر این، اقامه دولت اسلامی فرضی است برگردن همه مسلمانان؛ یعنی این حکم بر هر مسلمان فرض است و تا زمانی دولت اسلامی اقامه نشود، این فرض از گردن هیچ مسلمانی ساقط نمی‌شود و وقتی بعضی برای اقامه دولت اسلامی کار کند، تا زمانی که دولت اسلامی اقامه نگردد، از ذمه هیچ مسلمان ساقط نشده و این

فرض بر هر مسلمان باقی می‌ماند و گناه این فرض تا برپایی دولت اسلامی باقی می‌ماند و گناه آن از هیچ مسلمان ساقط نمی‌شود؛ مگر این که به صورت مستمر به انجام اعمالی بپردازند که برای اقامه دولت اسلامی باشد. تمام فرایض کفایی به همین شکل است که بر هر مسلمان باقی می‌ماند و تا زمان انجام آن عمل مطلوب تکمیل نشود، از گردن دیگران نیز ساقط نمی‌شود.

در جواب سوال ۲۸ می ۲۰۰۹ م آمده است: «ب- اما کار برای ازسرگیری زندگی اسلامی فرض کفایی است و دیگر این که عمل مطلوب از تمام مسلمانان تا هنوز تحقق پیدا نکرده، پس همه ایشان گنهکار می‌شوند؛ به استثنای کسانی که به این عمل مبادرت می‌ورزند.»

امیدوارم که جواب واضح باشد و الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است.

برادرتان عطاء بن خلیل ابوالرشته

۱۱ رجب ۱۴۴۳ ه.ق.

۱۲ فیبروری ۲۰۲۲ م.

مترجم: مصطفی اسلام